

## بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی در هندسه فکر به منظور فرهنگ‌سازی نهادی معرفت دینی

محمد شتا بدر<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** معرفت دینی از عوامل بنیانی در هندسه فکر است که با توجه به نقش آن در تطورات فکری، می‌توان مدعی چترگستری تأملات بشری به واسطه آن شد. در طول تاریخ همواره بشر از عدم رویکرد بنیادین به زندگی و مثلث خدا، انسان و طبیعت، به نوعی در غفلت به سر برده و همین عامل برای در جهل بسیط نگه داشتن بشر کفایت داشته است. هر چند با به کارگیری منابع مطلوب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، به نظر می‌رسد جامعه به سمت عقلانیت دینی می‌رود؛ اما الغای ماهوی انسان مدرن به ابتدای تئوری عقلانیت خودبنیاد، اذهان را از مبدا و شناخت منحرف و با ترویج پلورالیسم معرفتی و شخصی کردن دین، گستره ابری از جهل ایجاد کرده است. **روش:** در پژوهش حاضر؛ از روش ترکیبی استفاده شده است. بررسی ساختار کلی موضوع با نگاه کیفی و در پاسخ به پرسش آیا در جریان نهادینه‌سازی مبانی معرفت دینی در جامعه، در سالیان گذشته موفق بوده‌ایم؟ و آیا توانسته‌ایم عقلانیت‌محوری را در جامعه حاکم کنیم؟! از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در این مقاله سعی شده با بررسی نقش تعمیق معرفت دینی در مرحله اول و اثرگذاری فزاینده تعمیق فلسفی معرفت دینی در مرحله دوم، بر هندسه فکر و سلامت جسم در انسان و بالتبع جامعه، به بیان رابطه معناداری میان آنها اشاره شود، که با بازمهندسی طرح‌های معرفتی به بخشی از هدف بزرگ تبیین الگوی زندگی دینی پاسخ می‌دهد. به نظر می‌رسد موضوع معرفت دینی، حلقه مفقوده انسانی است که به همه چیز می‌پردازد مگر به شناخت دین خود، که همان شناخت خود و ندای فطرت درونی اش است.

**واژگان کلیدی:** معرفت دینی، تعمیق فلسفی، هندسه فکر، فرهنگ معرفت دینی.

◇ دریافت مقاله: ۹۴/۰۸/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۱/۳۰

۱. کارشناس ارشد EMBA، پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) / نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، دانشگاه مجازی المصطفی، معاونت پژوهش / شماره: ۰۲۵-۳۲۶۱۳۸۷۵ / Email: mohammadsheta.badra14@mihanmail.ir

### الف) مقدمه

در دنیای امروز که عصر حاکمیت اطلاعات و ارتباطات نامگذاری شده و انفجار اطلاعات مبتنی بر علم غیر نافع اجازه ورود به مرحله گذار به علم حقیقی را نمی‌دهد، دنیای تحت سیطره جهل تقریباً با در دست گرفتن تمام فناوری‌های روز و بهره‌گیری از تمام داشته‌ها و یافته‌های علمی، فرهنگی و سیاسی موجود در سرتاسر جهان- با ابزارهای پیشرفته<sup>۱</sup>- از مذهب در امور انتزاعی گرفته تا پلورالیسم رسانه‌ای<sup>۲</sup> فراگیر و حتی تبدیل ضد ارزش به ارزش در جاسوسی میان‌ملل- در لفاغه خدمت به جامعه و آزادی بشر- به دنبال حاکمیت مطلق لیبرال‌دموکراسی<sup>۳</sup> بر مدار اومانیزم<sup>۴</sup> و در قالب استثمار فرهنگی است.

بنابر این، جنگی در عالم میان ارزش و ضد ارزش برقرار است که به منظور شناخت آن، نیازمند درک درست مبانی و اصول هر کدام هستیم.

در این میان، مبانی معرفتی دین مبین اسلام که نمایانگر اصول رصین ارزشهای توحیدی است، بحری عمیق است که به صورت تشکیکی، سالکان را به خود جذب می‌کند؛ به نحوی که هر چه بر میزان این مبانی معرفتی بیفزاییم و تعمیق فلسفی و حکمی ایجاد کنیم- به طور متناسب- اثر مستقیم در بسط و تعالی فکر و اندیشه و توسعه فزاینده در سلامتی جسم خواهد داشت؛ و این مطلبی است که هم به تجربه مشاهده شده و هم در مبانی نظری آن، که بخشی از آن در این پژوهش بررسی شده، قابل اثبات است.

در مقاله حاضر با بررسی رویکرد معرفت دینی و معرفت دینی تعمیق فلسفی یافته در هندسه فکر، به تبیین جایگاه معرفت‌شناختی در جامعه اسلامی- به منظور فرهنگ‌سازی نهادی آن- پرداخته می‌شود.

گفتنی است که نقش مبانی معرفت دینی و تعمیق آن در سلامت جسم نیز اثرگذاری فزاینده و مستمری دارد. با نگاهی کوتاه به زندگی علمای ربّانی، خواهیم دید که عموماً عمرهای طولانی دارند و زندگی ایشان به نحوی است که به ندرت نیازمند دوا و درمان می‌شوند. این مطلب که به بحث سلامتی جسم و اثرپذیری آن از مبانی معرفت دینی می‌پردازد، تحقیق مستوفایی است که خارج از موضوع مقاله حاضر است.

### ب) تعریف معرفت دینی

پیش از تعریف معرفت دینی، لازم است به دین و معرفت- به صورت جدا- اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

---

1. High-Tech  
2. Media Pluralism  
3. Liberal Democracy  
4. Humanism

## ۲۰۷ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

دین فی نفسه امری بسیط است و از آدم تا خاتم (ص) یکی بوده و خواهد بود. دین تعاریف متعددی دارد که از جمله مهم ترین آنها، تعریف ساده علامه جوادی آملی است که إشعار به همان تقسیم بندی اجزای دین الهی دارد؛ عقاید، اخلاق و احکام: «دین الهی، مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو تعالیم آن، هوا و هوس خود را کنترل و آزادی خود را تأمین کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۶). اگر بخواهیم با منطق فازی<sup>۱</sup> مبتنی بر گزاره های چند عاملی و ترکیبی به دین بنگریم، باز هم تنها عامل سعادت بشریت، دین الهی است؛ چه اینکه اگر دین در میان نباشد، فلسفه ماده گرا<sup>۲</sup> که جز برای این دنیا برنامه ندارد، به طور طبیعی بشر را در گرداب نیهیلیسم<sup>۳</sup> دچار می کند و این امری محتوم است.

در تعریف راهبردی دیگری، دین عبارت است از: اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آنها، تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است. از این رو، لازم است دین با فطرت انسانی هماهنگ باشد تا تشریع با تکوین مطابقت داشته باشد و به آنچه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد پاسخ گوید؛ چنانکه مفاد آیه فطرت (روم: ۳۰) همین است. (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۶: ۱۹۳)

از طرفی، معرفت در لغت به معنای ادراک مطلب و مطلق آگاهی یافتن است. این واژه در اصطلاح نظریه پردازان و حکمای اسلامی به معنای مطلق علم و آگاهی و نیز باور صادق موجه<sup>۴</sup> تفسیر شده است؛ چه این آگاهی با واسطه باشد و چه بی واسطه و متعلق آن هم چه از امور حسی باشد و چه غیر حسی. (مصباح بزدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۲-۱۵۱)

معرفت بنا به نگاه و تعریف مشترک حکمای اسلامی، همان امر یقینی مطابق با واقع و نفس الامر است. معرفت حقیقی، یقین مطابق با واقع و ثابت است؛ یعنی اولاً یقین باشد نه شک و ظن، ثانیاً با واقع مطابق باشد، ثالثاً یقین ثابت و غیر قابل زوال باشد. (ر. ک: ابن سینا، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۵)

لذا با دو قید ثابت و دوام، معرفت؛ یعنی آنچه احتمال خلاف آن وجود نداشته باشد و یقین دائمی باشد. (معلمی، ۱۳۸۳: ۶۱)

بنا به تعاریف مذکور، در تعریف معرفت که منظور معرفت حقیقی است، یقین در مطابقت با واقع و ثبات ارکان سه گانه معرفت است. لذا با پذیرش این تعریف به اهمیت معرفت پی خواهیم برد.

1. Fuzzy Logic

2. Materialistic Philosophy

3. Nihilism

۴. معرفت شناسان در بحث امکان شناخت، سه رکن اصلی معرفت (باور، صادق و موجه) را تجزیه و تحلیل می کنند. (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۳۵۷)

## ۲۰۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

اما تعریف مختار: معرفت، مجموعه تأملات ثابتی است مطابق با واقع و نفس الامر، که در عین دوام و مانایی، با غور و تدقیق در پدیده‌های منتج از حقیقت وجود، به شناخت اصیل و باور راستین می‌رسد؛ شناختی که فراتر از علم و حس است به واسطه خاصیت در بر گرفتگی امور ماورایی و متافیزیکی؛ مثل معرفت به روح در انسان، معرفت به رابطه روح و بدن و معرفت به صحّت  $2 \times 2 = 4$ .

برای معرفت دینی<sup>۱</sup> که محل تأمل است، تعاریف متعددی بیان شده که با بیان برخی از آنها، تلاش می‌شود به دیدگاه جامع و مانعی برسیم.

- مجموعه معرفتها و شناختهاست در مورد آنچه خداوند بر پیامبر اکرم(ص) نازل کرده و تبیین آن را بر عهده آن حضرت و اوصیای او نهاده است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۳)

- شناخت و فهم عالمان دین از حقایقی است که از غیر راههای بشری به دست آمده است، اعم از آنکه آن شناخت با روش عقلی یا نقلی تحصیل شود. (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۴۲)

- مجموعه‌ای از گزاره‌هایی که از راه خاصی به مدد ابزار خاصی با نظر کردن بر متون دینی و احوال رفتار پیشوایان دینی حاصل آمده‌اند. (سروش، ۱۳۷۹: ۹۳)

- محصول سنجش و تعامل [عقل و نقل] است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

همان طور که ملاحظه می‌شود، تعاریف برای معرفت دینی در عین کثرت به تعداد صاحب‌نظران، متکی به اصول ثابتی است. لذا به طور کلی معرفت دینی، شناختی از سنخ حقیقت وجود و نفس‌الامری است که از ترکیب امور ذهنی مقولات پیشینی<sup>۲</sup> (اصول اعتقادی دینی که به تناسب فطرت در عقل بشر وجود دارد)، انتزاعی و استنباط عملی است که از گستره دین (مجموعه شناختهای عقاید، اخلاق و احکام) و گزاره‌های آن حاصل می‌آید.

معرفت دینی در تعبیر معقول ثانی فلسفی - بدون جنس و فصل<sup>۳</sup> - نه اینکه صرفاً ذهنی و غیر مرتبط با عمل باشد، بلکه به صورت باورپذیر، زمینه ایجاد عمل را فراهم می‌کند. معقولات ثانیه کلیاتی‌اند که از امور ذهنی و معقولات اولی انتزاع شده‌اند و منشأ آنها همان ذهن است. (سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۶۶)

### 1. Religious Knowledge

### 2. Categories – A Priori

۳. جنس و فصل از اجزای عقلی ماهیتند؛ به این صورت که جنس، جزء مشترک ماهیت است و فصل، جزء مختص آن است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۵: ۳۰۶). برای همین است که در تعاریف امور مفهومی، با تنگناهایی مواجه می‌شویم. امور مفهومی بر خلاف امور ماهوی، دارای جنس و فصل نیستند؛ از این رو نمی‌توان با دقت آنها را تعریف کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹/ب: ۱۲۷)

### ج) دایره شمول معرفت دینی

معرفت دینی، مفهوم و رویکردی جامع و مانع است که همه علوم اسلامی همچون: فقه، کلام، تفسیر و اخلاق که به مجموعه اعتقادات، اخلاق و احکام عملی می‌پردازند، را در بر می‌گیرد. (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۹۴)

نکته تأکیدی اینکه، معرفت دینی بی‌ارتباط با عرصه عمل نیست، لذا در احادیث هم داریم که: «مَنْ أَحْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ إِلَى لِسَانِهِ» (امام صادق(ع)، ۱۳۶۰: ۳۵۵). این یعنی اگر معرفت به ابتدای خلوص دینی حاصل شود و تعمیق فلسفی و حکمی داشته باشد، بی‌واسطه چشمه‌های حکمت به قلب (به صورت نظری) و به زبان (در مرحله عملی)، وارد می‌شود.

دایره معرفت دینی یک دایره محدود در فضای نظریه‌پردازی یا بی‌ارتباط با حوزه کاربرد در زندگی بشر نیست. اساساً با پذیرش قاعده تلازم به واسطه موازنه‌ای که میان عقل و شرع وجود دارد، معرفت دینی در پی القای این مطلب است که هر آنچه لازمه سعادت بشریت است، به مثابه پدیده‌ای ذو وجه، کاربرد آن برای عقل تأیید می‌شود.

با توجه به اینکه معرفت نسبت به دین و شناخت از اسلام زمانی شکل می‌گیرد که همه منابع معرفتی آن [عقل و نقل در سایه وحی] در کنار هم و با هم ملحوظ شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۲)، لذا بعضی از معارف دینی از راه ادله عقلی به دست می‌آیند، هر چند در متون دینی نیامده باشند؛ و به صرف اینکه در کتاب و سنت نیامده‌اند، نمی‌شود گفت که معرفت دینی نیستند (آملی لاریجانی، ۱۳۷۰: ۱۲). بنابر این، دایره شمول معرفت دینی به گستردگی جولان عقل و سیلان تأملات بشری در حوزه توحیدیت است. اگر محیط اندیشه را محاط بر مجموعه‌ای از گزاره‌های قابل استفاده با قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، ابداع و خلق در نظر بگیریم، در صورت پذیرش در قالب یک اصل بدیهی نظم‌دهنده و هدایت‌کننده و ممیز صلاح از فساد، به گستردگی حوزه معرفت دینی پی خواهیم برد.

با این نگاه، علم دینی به معنای هر علمی که جهت عبودیت و ربوبیت الهی داشته باشد، در دایره معرفت دینی می‌گنجد؛ چرا که مبنای شناختی در علم دینی، پیش‌فرضی ثابت است، و ملاک آن، مطابقت با واقع و نفس‌الامر است. به این ترتیب که علم دینی در کثرات و شاخه‌های آن، بر صراطی از معرفت دینی استوار است؛ چون ملاک مطابقت با واقع و ثبات، مندمج در آن است.

از نتایج تأملات وابسته به دین، که همان عقل‌تجربیدی غربال شده است، نتیجه گستردگی قلمرو کنش و واکنش علم به شناخت و شناخت علمی پدیدار می‌شود.

کوتاه سخن آنکه، با حرکت خزننده معرفت دینی در اندیشه فزاینده بشری، آنقدر جوشش شناخت نفس و انفس، ابداع در طبیعت و تغییر عالمانه تسلط‌آمیز فراوان می‌شود که محاسبه آن مثل این است که

## ۲۱۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

بخواهیم اعداد را از یک تا بی نهایت شمارش کنیم. همان طور که در خارج از ذهن چیزی به نام عدد نداریم و آنچه هست معدود است که در معنای معقولات ثانیة فلسفی درک می کنیم، معرفت دینی نیز - بر عکس معرفت حسی و تجربی<sup>۱</sup> - قابل شناخت لمسی و حسی نیست، بلکه از معلول و کارکردهای آن به علت و حقیقت آن می رسیم.

فی نفسه و ذات بودن مبنای معرفت دینی در فلسفه اسلامی، متمایز با شهود معرفتی در فلسفه غرب است. از دیدگاه کانت<sup>۲</sup>، تنها به واسطه صورت شهود حسی است که می توانیم از اشیا، شهود قبل از تجربه داشته باشیم؛ اما به واسطه آن تنها می توانیم اشیا را چنانکه بر ما پدیدار می شوند بشناسیم، نه آنگونه که در نفس الامر هستند. (کانت، ۱۳۷۰: ۱۲۰)

لذا گستردگی نفوذ معرفت دینی در فلسفه اسلامی، اولاً قابل محاسبه نیست و فضایی مشابه بی نهایت بودن قدرت تفکر است؛ چون فکر مجرد است و در مسائل انتزاعی، رابطه میان خالق و مخلوق، هر چند مخلوق محدود است، اما رابطه بی نهایت است. مخلوق، محدود است؛ اما در طی مسیر ارتباط با خالق، این رابطه به انتها نمی رسد. نقش معرفت دینی کارگردانی استمرار این ارتباط است. ثانیاً شناخت مستقیم معرفت دینی و آگاهی محسوس نقش آن در تعالی عقلانیت و تعاطی اسرار خلقت، با کیفیت ظاهر مجهولهای که دارد، بی نهایت است. از راه آثار و نتایج ملکه معرفت دینی بر عقل تجربی و در مرحله عالی آن بر عقل تجربیدی، اتقان و میزان اثر حضور دین در اندیشه حاصل می شود. به عبارت گویاتر؛ این معرفت دینی است که جنبش انتزاعی ذهن را نظم می دهد، هدایت می کند، مواد اولیه را در قالب پیش فرضهای تغییرناپذیر ارائه می دهد و انقلاب ذهن را به گستردگی رابطه مخلوق با خالق، جولان داده و شاخصه عقلانیت دینی را ملکه تأملات بشری قرار می دهد.

برای چنین ساختار فکری، می توان مدعی عصمت نسبی شد. انسانها می توانند به درجه عصمت نسبی برسند؛ مرحله ای که گناه کبیره نکنند و مداومت بر گناه صغیره نیز نداشته باشند.<sup>۳</sup>

به نظر می رسد قدرت معرفت دینی تا حد عاصم نگه داشتن انسان است؛ چرا که عصمت از تذکر پیدا می شود (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۷۴) و معرفت دینی همان تذکر مستمری است که در روح و روان اهل حق، نمایان می شود. این همان دایره شمول معرفت دینی است که در یک جامعه ایده آل - که همان جامعه نبوی است - معنای خود را مبنایی بی تعارض می یابد، لذا نقطه آغاز و مبنای دین، قرار داده می شود: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ

1. *Intuitive and Empirical Knowledge*

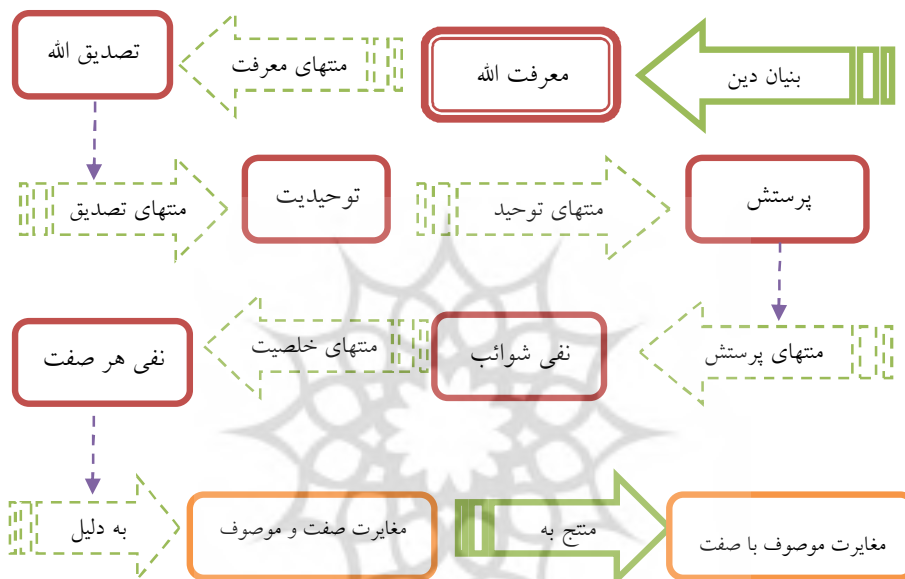
2. *Immanuel Kant (1724-1804)*

3. عصمت نسبی شامل بسیاری از انسانها می شود؛ انسانهایی که نسبت به خیلی از کارهای زشت دارای عصمت می باشند و از انجام چنین کارهایی خودداری می کنند. مثلاً انسانی که در طول زندگی خود اصلاً مرتکب قتل یا دزدی نشده، نسبت به این گناه دارای قوه عصمت است، اگرچه کارهای زشت دیگری انجام داده باشد. (سبحانی، ۱۴۲۶، ج ۳: ۱۵۹)

## ۲۱۱ ◆ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

وَكَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِيقُ بِهِ وَكَمَالُ التَّصْدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَكَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ وَشَهَادَةِ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

مطابق با گزاره‌ای طولی و سلسله‌ای بنیانی که وجود مقدس امیرالمؤمنین (ع) تبیین می‌فرماید، حرکت طولی مبانی معرفتی به منتهی‌الیه عبودیت و الهیت ختم می‌شود. (نمودار ۱)



نمودار ۱: گزاره طولی عبودیت اکمل

### د) ضرورت تعمیق فلسفی معرفت دینی به بسترسازی تدریجی آن

تفکر، دشوارترین عمل ممکن است. به همین دلیل، جمعیت بشر زیاد است، اما عداد انسانهای متفکر در جوامع بشری، آمار زیادی نیست.

اینکه قرآن کریم در عبارات فراوانی تأکید بر «لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (فتح: ۱۵)، «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (انعام: ۳۷)، «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده: ۱۰۳)، «أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام: ۱۱۱) و عباراتی مشابه این مضامین می‌کند، نه به این

۱. اساس دین، شناخت خداوند است و کمال شناخت او، تصدیق به وجود اوست و کمال تصدیق به وجود او، یکتا و یگانه دانستن اوست و کمال اعتقاد به یکتایی و یگانگی او، پرستش اوست، دور از هر شائبه و آمیزه‌ای و پرستش او زمانی از هر شائبه و آمیزه‌ای پاک باشد، که از ذات او، نفی هر صفت شود؛ زیرا هر صفتی گواه بر این است که غیر از موصوف خود است و هر موصوفی، گواه بر این است که غیر از صفت خود است...

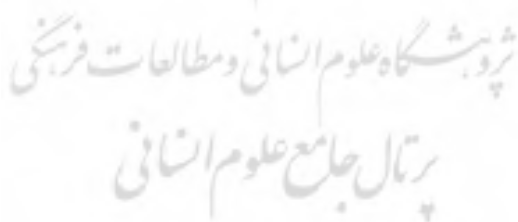
معناست که بسیاری از مردم عقل ندارند، که این منافی با عدل الهی است؛ بلکه به این معناست که بسیاری از مردم، عقل و علم و فهم و درک خود را به کار نمی‌گیرند؛ لذا می‌فرماید: «لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا» (نساء: ۷۸)؛ نمی‌خواهند [معارف الهیه و حقایق را] بفهمند. گویایی این جمله حتی اگر به صورت حداقلی آن را بپذیریم، حکایت از واقعیتی دارد که نشان می‌دهد این بسترسازی معرفت دینی در جامعه است که ضامن بقای اندیشه اسلامی در جهت تحقق آرمانهای معرفتی، به خصوص در جهان‌بینی دهی و حکومت‌داری است.

اگر به تاریخ تحلیلی صدر اسلام و پس از آن مراجعه کنیم، نمونه‌های فراوانی از وقوع بحران و فجایع پیش آمده برای جامعه و مردم خواهیم یافت که ضعف عمده و بلکه در مواردی تنها علت مسئله، دور بودن از قدرت تحلیل معرفتی - سیاسی به واسطه همان عدم شناخت حوزه گسترده دین است.<sup>۱</sup>

در بررسی نقش پایدار معرفت دینی و اثر آن در نهادهای سازی عقلانیت در جامعه، به مسئله تعمیق مبانی معرفت دینی می‌رسیم. تعمیق به معنای نفوذ در لایه‌های اندیشه معارف الهی است و تعمیق فلسفی معرفت دینی؛ یعنی باور به اعماق دین، ایمان عمیق به نقش و یقین به اثرگذاری کاربرد آن با تعمیق مبانی معرفتی. با رسوخ این تعاریف، عقلانیت به صورت خودکار، پایه رفتار و روح جامعه می‌شود و این موضوع، نیازمند بسترسازی تدریجی در بلندمدت است تا اثرات آن در سبک و سلوک زندگی دینی نمایان شود.

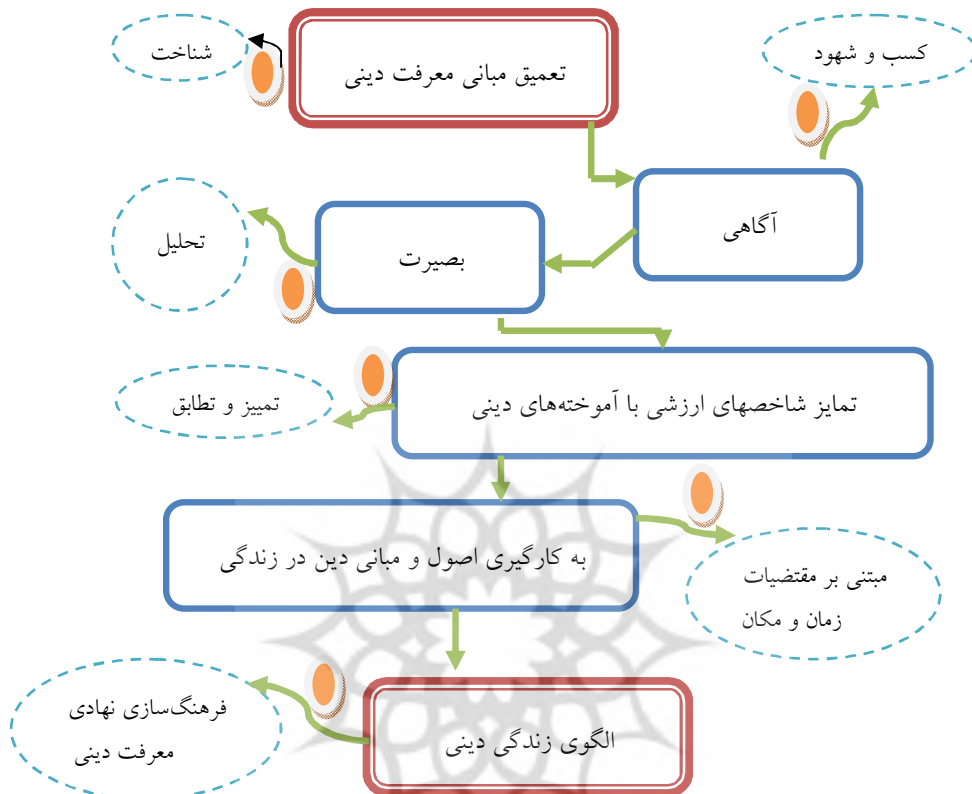
## ه) الگوی پژوهش

اگر بخواهیم نگاه فرایندی تا نهادی‌سازی فرهنگ معرفت دینی را تبیین کنیم، می‌توان به فرایند طولی زیرساخت معرفتی فلسفی - حکمی اشاره کرد، که در نمودار ۲ قابل مشاهده است:



۱. چیزی که امام حسن مجتبی (ع) را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود؛ مردم تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه خوارج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین (ع) را آنطور زیر فشار قرار داد و قدرتمندترین آدم تاریخ را آنگونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود... همه مردم که بی‌دین نبودند، تحلیل سیاسی نداشتند. (خامنه‌ای، دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲ آبان ۱۳۷۲)





نمودار ۲: فرایند طولی زیرساخت معرفتی

مطابق فرایند ترسیم شده، شکل‌گیری معرفت در خلأ حاصل نمی‌شود. دستیابی به معرفت، مبنا و مبانی معرفتی می‌خواهد و مبانی معرفتی در صورت تعمیق‌یافتگی، شناخت فراگیر و پایا و مانا شکل می‌دهد؛ که می‌شود مرحله اول و وادی زیرساخت فرایندی؛ یعنی برساخته‌ای از شناخت. پس از آن، بسترسازی بلندمدت که همان ذهنی‌سازی مقوله در امور اکتسابی و ربط حادث به قدیم است، نیاز است؛ که لازمه اکتساب علم است. کیفیت علم نیز بسته به حضوری و حصولی بودن آن، تبیین می‌شود. اگر علم حصولی باشد، نیازمند کسب و وصول است و اگر علم حضوری مراد باشد، نیاز به شهود دارد که مطلق آگاهی است. موفقیت در مرحله قبل، مستظهر به بصیرت درک و دریافت مبانی است که با تحلیل و تنبیه از مقامات حاصل می‌شود. پس از پایان مراحل سه‌گانه اشاره شده، به مرحله تمییز و تطابق می‌رسیم که لازم است تقارب امر ذهنی ایجاد شود. هرچه مرحله تمییز، آگاهانه‌تر باشد، عملیاتی‌سازی یافته‌ها در جهت تطابق، به خواست فطری نزدیک‌تر خواهد بود.

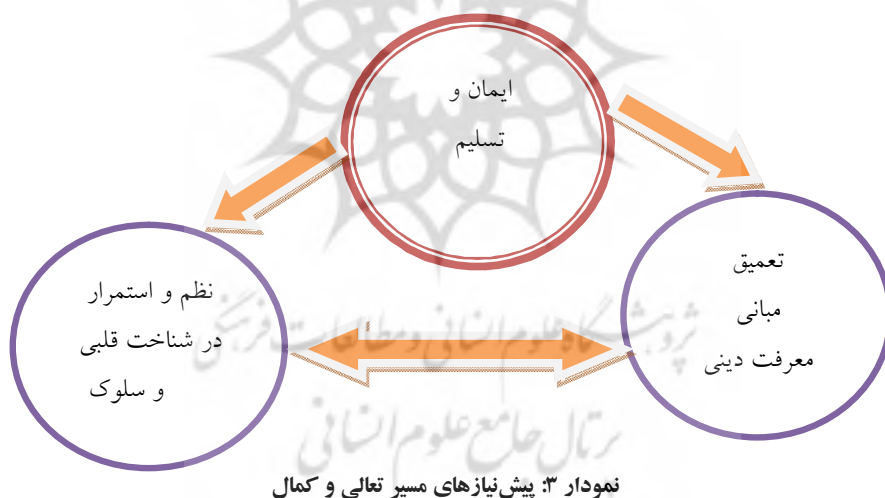
## ۲۱۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

مجموع این مراحل، مدخل درک الگوی زندگی دینی با قوام یافتگی فرهنگ معرفت دینی خواهد بود؛ به این کیفیت که با به کارگیری اصول و مبانی دین در زندگی فردی و اجتماعی، که تابع ملحوظ قرار دادن عنصر زمان و مکان است، به سبک و سلوکی از زندگی دینی بر قوام معرفت دینی می‌رسیم که با استمرار قواعد آن در طول زمان و ملکه‌سازی درونی آن تا مسیر ملکه شدن بیرونی، معرفت دینی به فرهنگی نهادی تبدیل می‌شود.

این تبیین، اجمالی از فرایند طولی زیرساخت معرفتی فلسفی - حکمی بود که لاینفک از اصل توحید است.

هر گاه آگاهی و معرفت دینی ارزش و اعتبار جهان‌شناختی خود را از دست بدهد، سنت نیز از حیات و نشاط ساقط می‌شود... چه اینکه آگاهی و معرفت دینی، خود بیشترین اقتضا را برای عبودیت و باروری ایمان به همراه دارد: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸). (پارسانیا، ۱۳۷۹: ۸۹)

بنابر این، به این مطلب رسیدیم که جهان‌بینی توحیدی و تفکر وحدانی بر مدار تسلیم مطلق در برابر اراده حق تعالی، اوج و قله است، که دو بال مبانی معرفتی و نظم و استمرار در شناخت قلبی و سلوک عملی، الگوی زندگی دینی را در مسیر تعالی و کمال رقم خواهد زد. این مفهوم مطابق نمودار ۳ نشان داده می‌شود:



### (و) معرفت دینی و معرفت دینی با تعمیق فلسفی

موضوع معرفت دینی در حالت اول کوتاه‌مدت بوده و نسیم آن، وزشی است که به خاطر نبود بنیانهای بیرونی موضوع و تعارضات و تحولات پیش روی بشر - به عنوان موضوع درونی - نمی‌تواند خاصیت پایداری عقلانیت را در جامعه تضمین کند.

## ۲۱۵ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

راه حل، برون‌رفت به مرحله گذار است؛ یعنی تعمیق معرفت دینی. این تعمیق با بسترسازی فلسفی آن شکل می‌گیرد. منظور از فلسفه در این پژوهش، حکمت الهی است؛ حکمتی که با نگاه حداقلی، دو ویژگی کلی دارد:

۱. رویارویی بشر با تحولات آتی و تعارضات احتمالی ناشی از عدم سازگاری مبنایی پیش‌فرضها و مسائل مستحدثه؛ با قرار دادن مبنای اندیشه به صورت تصاعدی و پیش‌رونده، قدرت پذیرش شرایط متفاوت و برخورد منطقی با موضوع فراهم می‌شود.

۲. نوع مواجهه با مقایسه‌های رایج عقلانیت تجربی و عقلانیت تجریدی، که حالت ویژه آن در تمایز پیچیده کشورهای صاحب فناوری و فاقد یا دارای بهره‌اندک از آن، بحرانی هویتی ایجاد می‌شود. هر چند دوباره به ویژگی درونی معرفت دینی می‌رسیم؛ اما کارکردی بیرونی باعث ایجاد این مسئله می‌شود؛ چون رابطه میان ظاهر و باطن در انسان، سلسله‌مراتبی است و مطابق با قواعد وجود ذهنی در فلسفه، آنچه ظاهر می‌یابد، پیش از آن به تأیید باطن رسیده است. به عنوان مثال، اگر کسی به درجه‌ای از شناخت قدرت باری تعالی برسد، این قدرت باطنی را در زندگی ظاهری نیز لمس خواهد کرد؛ چرا که مطابق با مبانی حرکت جوهری، هر چه انسان از عالم ماده فاصله بگیرد و به عالم مجردات نزدیک شود، از حالت شتاب و حرکت، به عالم بقا و ثبات نزدیک می‌شود. (طاهرزاده، ۱۳۹۰: ۸۱)

البته عکس این استدلال، قابل فهم نیست. فهم این موضوع نیازمند درک دو قاعده و یک مقدمه است:

### ۱. مقدمه

نوع تقسیم‌بندی جهان اول، جهان دوم و جهان سوم از بنیان، مجازی و غیر حقیقی است. پیشرفت را از حیث قدرت فناوری محاسبه کردن، مثل تبیین معرفت با رویکرد تجربی است؛ یعنی فاقد مشروعیت کاربردی است؛ چرا که رابطه میان فناوری و معرفت، به معنای تقدم فناوری بر معرفت نیست، که با لحاظ مبنایی مندمج معرفتی، عکس آن صادق است؛ در غیر این صورت، تفوق رنگ و لعاب فناوری می‌تواند به منحرف کردن جهان‌بینی‌ها نیز بینجامد.

مهم‌ترین بخش هر انقلاب فرهنگی - بزرگ‌ترین دگرگونی در ادراکات و الگوهای فکری - می‌تواند دوباره‌سازی جهان‌بینی‌ها باشد تا غیر عقلانی بودن الگوی فعلی ترقی فناوریانه ما دیگر پنهان نشده باشد. این جهان‌بینی‌ها ماهیت واقعی الزام فناوریانه‌ای را پنهان می‌دارند. (بسی، ۱۳۷۴: ۲۸۰)

۱. گفتنی است که، ثبات غیر از سکون است. لذا بحث ثبات در تغایر مفهومی با حرکت جوهری نیست؛ که در پژوهش دیگری قابل بررسی است.

فناوری در تقویت قدرت عقلانیت و بهره‌مندی مبدعان در کشف پدیده‌ها می‌تواند ابزاری مؤثر باشد؛ اما در تعمیق معرفت دینی، نقشی مشمر و مبنایی نخواهد داشت. لذا معیار ارزش‌گذاری نمی‌تواند قرار گیرد. این به معنای بی‌فایده و عبث تلقی کردن فناوری نیست، بلکه بسیار هم لازم و ضروری است؛ اما فناوری‌ها برای پاسخگویی به نیازهای غیر معرفتی آدمیان ابداع می‌شوند. لذا کسانی که ظرفیتهای مربوط به یک فناوری خاص را ندارند، از توانهای آن فناوری نیز بی‌اطلاعند. (پایا، ۱۳۸۸: ۳۶)

در جهان معاصر، تقسیم کشورها از جهت توسعه فنی، روشی و از حیث انباشت سرمایه است؛ در صورتی که از جهت مفهومی، معیار تقسیم‌بندی کشورها، میزان بهره‌گیری از عقلانیت و درجه تعمیق معرفت است.

## ۲. دو قاعده

یک) ندیدن دلیل بر نبودن نیست؛ هر آنچه را ندیدیم و نتوانستیم آزمایش کنیم، دلیل بر عدم وجود آن نیست. (این قاعده در تجربه‌های عرفانی به عنوانی یک اصل مطرح می‌شود)

دو) اگر صرفاً با توجه به ظاهر و حواس پنج‌گانه بخواهیم به معرفت برسیم، بدیهی است به معرفت نخواهیم رسید؛ بلکه به سراپی از احساس به جای معرفت می‌رسیم. پس رابطه میان ظاهر و باطن، عموم و خصوص مطلق است.



### نمودار ۴: رابطه سیرت و صورت

موجه کلیه: هر امر ظاهری در باطن، قابل درک است؛ مثل طبیعت، معدود، جماد.  
موجه جزئی: بعضی از امور باطنی را حس ظاهر، درک می‌کند؛ مثل وجود انسان، ترس، آرزو، عشق.  
سالبه جزئی: بعضی از امور باطنی را حس ظاهری درک نمی‌کند؛ مثل فرشتگان، مرگ، آخرت، قیامت.

## ۲۱۷ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

بنابر این، در معرفت دینی با تعمیق فلسفی، نوع نگاه به فناوری به عنوان ابزاری نوع دوم، نمی‌تواند ملاک پیشرفت قرار بگیرد، بلکه قدرت عقلانیت تجربیدی است که مبانی معرفت دینی را قویم می‌بخشد؛ چرا که مبانی معرفتی به درکی ناب از امور ماورایی و فرا حسی می‌رسد.

هر که را گامی در این ره پیش بود/ در نهادش نور هستی بیش بود (صدرالتألهین، ۱۳۹۰؛ منتخب مثنوی، ص ۱۲۳).

در ادامه به صورت تحلیلی و ساختاری، به بحث ساختار جامعه اسلامی پرداخته می‌شود. این بحث به عنوان یکی از نتایج مبانی ارزشی عمق‌یافته، بحثی تبیینی حول هندسه فکر در جهت بسط فرهنگ معرفت دینی است.

### (ز) ساختار یک جامعه اسلامی

هر جامعه‌ای برای تنفس و حیات خود، نیازمند ساختار و محتواست. منظور از ساختار؛ امری فراتر از شکل و قالب یا مجموعه‌ای از روابط درون‌سیستمی و متغیرها و گزاره‌هاست.

ساختار کلی در واقع همان اصول مبنایی است که محتوا در جهت تحقق آن اصول است و با اندکی تسامح می‌توان آن را زیرساخت تعریف کرد. چنین ساختاری را تکامل پالایش اندیشه تعبیر می‌کنیم، که در ادامه بحث خواهد شد؛ مبنایی که موجب تکامل هندسه فکر می‌شود.

با این تعریف؛ ساختار و محتوا همچون دو روی یک سکه‌اند؛ به نحوی که ساختار، ارائه‌گر اصول کلی است در حالت عام و بیان شکل و قالب است در حالت خاص، که در هر دو مقوله-شاکله و قوام-مشحون از محتواست؛ مثل ساختار قرآن کریم و محتوای آن.

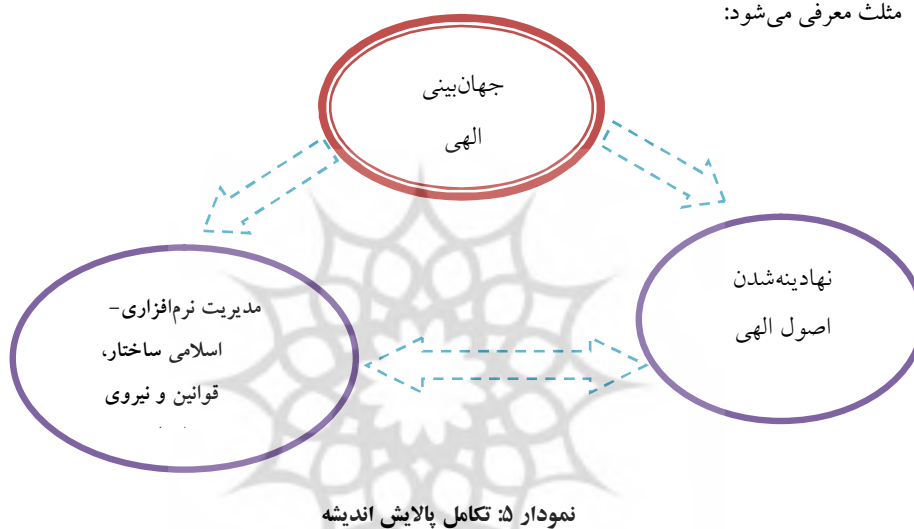
جامعه اسلامی که رویکرد توحیدی داشته باشد و با تحقیق به شناخت صحیح خدا، انسان و جهان رسیده باشد، جامعه‌ای بر مدار عقلانیت دینی است که بر مدار خواست فطرت حرکت می‌کند. در چنین جامعه‌ای، علت اصلی توحیدگرایی با معرفت دینی حاصل شده و چون با مبانی فلسفه الهی ممزوج یافته و ترکیب شده، به صورت تعمیقی در کالبد روح و روان جامعه ریشه دوانده و در نهایت، چنین جامعه‌ای هندسه فکری متعالی و به اکمال رسیده‌ای از خود ارائه می‌دهد، که البته درجه ایده‌آل آن در جامعه مهدوی به بروز و ظهور مطلوب می‌رسد.

نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (عج) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه‌های مقدماتی عالم انسانی در حال حرکتیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خمهای کوه‌ها و تپه‌ها و راههای دشوار حرکت می‌کنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والاست. بشریت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این

## ۲۱۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

کوره‌راهها حرکت می‌کند تا به بزرگراه برسد. وقتی به بزرگراه رسید که آن، دوران ظهور حضرت بقیه‌الله(عج) است، آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

همان‌طور که گفته شد، تکامل پالایش اندیشه که متشکل از اصول و مفروضاتی است، مقدمه‌ساز هندسه فکر معرفتی است که مروج فرهنگ نهادی معرفت دینی خواهد بود. در نمودار ۵، مفروضات این مثلث معرفتی می‌شود:



### ح) جهان‌بینی الهی

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه، اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵)

با توجه به نگاه کلی و تعریف فراگیر از فلسفه به فلسفه الهی، و علم به معنای آگاهی و نه تجربه صرف؛ می‌توان جهان‌بینی الهی را اعم از هر نوع جهان‌بینی تک‌خدایی قرار داد. در جامعه معرفت‌بنیان، رویکرد اولی و منطقی گفتمانی بر مدار جهان‌بینی الهی شکل می‌گیرد.

## ۲۱۹ ◆ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

جهان‌بینی توحیدی در مقابل جهان‌بینی مادی قرار دارد. در این جهان‌بینی که ایدئولوژی<sup>۱</sup> فرد نیز منتج از اوست، نگرش کلی به مکتب اسلام تعریف می‌شود. جهان‌بینی به منزله زیربنای فکر و ایدئولوژی به منزله روبناست؛ یعنی در یک دستگاه فکر و اندیشه، جهان‌بینی حکم طبقه زیرین و ایدئولوژی حکم طبقه رویین را دارد، که بر اساس آن و بنا بر اقتضائات آن ساخته شده است. (مظری، ۱۳۷۱: ۱۵)

بنا بر این، جهان‌بینی توحیدی با تبیین توحید بما هو توحید - که همان جهان‌بینی مذهبی است - با بر ساخته شدن در مسیر تناور پیوند خالقیت و ربوبیت الهی، فرد و جامعه را به سمت تبیین و تسری احدیت و واحدیت الهی پیش می‌برد؛ یعنی همان جهان‌بینی، جهان‌بانی و جهان‌آرایی.

انسان که خلیفه خداست، با سه مسئولیت تعریف شده روبه‌روست: جهان‌بینی؛ جهان‌بانی؛ جهان‌آرایی. مسئولیت اول او به اندیشه برمی‌گردد که عقل نظری عهده‌دار آن است و مسئولیت دوم و سوم وی به انگیزه برمی‌گردد که عقل عملی متکفل آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: الف)

لذا جهان‌بینی الهی، با نقش معلم و راهبر، انسانها و جامعه را به سمت اندیشه تعالی و کمال لاینقطع در نفس خود، می‌پروراند که در تبیین تفسیر انسان به انسان، به تحقق حکمت عرشیه<sup>۲</sup> می‌انجامد.

### ط) نهادینه شدن اصول الهی

پیش از نهادینه‌سازی اصول الهی، کلیت اصول الهی باید با شناخت و تبیین معیار شناخت، فرهنگ‌پروری شوند و با ارائه مزیت‌های اتکال به این اصول - به صورت محتوم - این اصول نهادینه می‌شوند.

این مفهوم از معنای «لا اِکراه فی الدّین» (بقره: ۲۵۵) استنتاج می‌شود. در جمله (لا اِکراه فی الدّین)، دین اجباری نفی شده است؛ چون دین از یک سلسله معارف علمی [تشکیل شده] که معارف عملی به دنبال دارد، و جامع همه آن معارف یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات، و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است، اکراه و اجبار در آن حکومت ندارد؛ چون اکراه تنها می‌تواند کسی را مجبور به عملی کند و کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی، و اما اعتقاد قلبی برای خود علل و اسبابی دیگر از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد یا مقدمات غیر علمی، تصدیق علمی را بزیاید. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ج ۴، ۲۴۴)

۱. مجموعه عقاید و باورهای یک فرد یا دستورالعملها و احکام اجرایی مبتنی بر جهان‌بینی او. (زرشناس، ۱۳۸۳: ۶۳)

۲. حکمت عرشیه، حکمت عمیق است و محصول گفت و شنودهای فرشی نیست. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۸۳)

## ۲۲۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

بنابر این، هر چند در دین اجباری نیست؛ اما با ارائه اصول آن و با حفظ شرایط لازم و کافی، انسان فطرتاً به سمت دین حرکت می‌کند. کافی است اصول الهی به صورت درست و مبنایی تبیین شوند. نوع انسانها، مشتاق به نهادی‌سازی اصول در تشبیه خود به آن می‌باشند و این روح جامعه را خواهد ساخت. امام رضا(ع) می‌فرماید: «لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَأَتَّبَعُونَا»<sup>۱</sup>. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷)

در عین حال بحث تبیین و شناسایی و شناساندن، مقوله‌ای عام و مهم است. لذا باید همواره کسانی باشند که این قدرت شناخت را کسب و منتشر کنند. این مطلب، نیازمند خودسازی مبتنی بر معرفت نفس است، که آنقدر مهم است که صدرالمتألهین آن را سنجۀ فایده‌مندی اعمال می‌داند، آنجا که می‌نویسد: هر که معرفت نفس حاصل نکرده باشد، هیچ عمل او را سود نبخشد. (صدرالمتألهین، ۱۳۹۰: ۲۴)

این خودسازی قائم بر معرفت نفس نیز با محتوا و مبنا مرتبط است که شاخصه‌ای کلان می‌خواهد. آن شاخصه بزرگ، معرفت دینی با تعمیق فلسفی و حکمی است.

### ی) مدیریت نرم‌افزاری - اسلامی ساختار، قوانین و نیروی انسانی

در بعد نرم‌افزاری در سه مقوله مذکور، تعادلی هم‌سطح در انتخاب حرکت موزون و پرشتاب نیاز است. این تعادل با شناخت مبانی معرفتی به سمت استخدام فناوری در انتخاب نرم‌افزار مورد نیاز حاصل می‌شود. این فرایند تحت کنترل انسان است. به عبارت دیگر؛ قدرت عقلانیت است که با تجهیز خود به سلاح معرفت دینی با گزاره‌های مبنایی، به مدیریت نرم‌افزاری اسلامی تبدیل خواهد شد. بنابر سه پیش‌فرض ارائه شده، یک جامعه الهی با چنین ساختاری در حالت جزئی، زمینه‌ساز تام و تمام موعود آخرالزمان و در حالت کلی، مسمای جامعه نبوی است.

### ک) مهندسی مجدد طرح‌های معرفتی

دوره‌های معرفتی که در سطح کشور برگزار می‌شود، فرصت مناسبی برای مهندسی مجدد<sup>۲</sup>، تجدید ساختار<sup>۳</sup> و در نهایت، مدیریت عملکرد<sup>۴</sup> و کنترل راهبردی<sup>۵</sup> متناسب با آرمانهای اسلام ناب است. دوره‌های دانشجویی مثل طرح ضیافت اندیشه<sup>۱</sup>، طرح ولایت<sup>۲</sup>، طرح صافات<sup>۳</sup>، بینش مطهر<sup>۴</sup>، طرح صالحین<sup>۵</sup> و... همگی ظرفیتهای مناسبی برای توسعه مبانی معرفتی است.

۱. اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما تبعیت خواهند کرد.

2. Reengineering  
3. Restructuring  
4. Performance Management  
5. Steering Control



## ۲۲۱ بررسی تعمیق فلسفی مبانی معرفت دینی ...

برای این منظور، به نظر می‌رسد طراحی شبکه‌ای هدفمند از مبانی معرفتی، راهکار مناسبی باشد که تبیین آن به صورت ذیل است:

تشکیل شبکه‌ای مستقل در صدا و سیما کشور با قابلیت پخش ماهواره‌ای که به صورت ۲۴ ساعته و با زبانهای زنده دنیا بر مبنای یک برنامه درازمدت، به طراحی الگوی زندگی دینی پردازد. این مهم نیازمند تأمین محتوا (استخراج مبانی معرفت دینی برای نهادینه‌سازی آنها)، استاد و راهنما برای ارائه منطقی، مستدل و با توجه به مقتضیات زمان و نیازهای مردم است. مبانی معرفت دینی در این زمینه از اصول ابتدایی دین شروع می‌شود و با مجموعه‌ای از تمثیلات، با نمایش کاربرد آن در زندگی بشر، به نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی و معرفت دینی می‌پردازد. اگر موضوع معرفت دینی توسط جامعه به شکل فلسفی درک و به کار گرفته شود، سراسر جامعه می‌تواند از عقلانیت دینی و آمادگی برای ظهور بهره‌بردار.

با نایل به اثر بخشی طرحهای موجود در کشور، به نظر می‌رسد اگر مهندسی مجددی در برنامه‌ها و تولید محتوا داشته باشیم و ساختاری متناسب با نیازها طراحی کنیم - به خصوص در حوزه‌های علمیه، دانشگاهها و سپاه پاسداران که بودجه فرهنگی قابل اعتنائی نیز دارند - می‌تواند از بهترین گزینه‌های تعمیق فلسفی معرفت دینی در فضای عمومی جامعه و به خصوص دانشگاه باشد.

۱. این طرح در دو بخش حضوری و غیر حضوری با سر فصلهای علمی متنوع برگزار می‌شود. بخش حضوری ضیافت اندیشه، فعالان فرهنگی دانشگاههای کشور در قالب اردوهای در سطح دانشگاه یا استان دانش‌پژوهان شرکت‌کننده تدارک دیده شده، که بنا بر تصویب شوراهای استانی نهاد، دوره‌های حضوری ممکن است در مشهد مقدس یا استانهای دیگر برگزار شود. (<http://ziafat.nahad.ir>)
۲. این دوره علمی - آموزشی که همه‌ساله در تابستان برگزار می‌شود، در شش میزبانی (مبانی معرفت دینی، خداشناسی فلسفی، انسان راه و راهنماشناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست) توسط استادان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و تحت نظارت علمی آیت‌الله مصباح یزدی ارائه می‌شود. (<http://www.tarhbsi.ir>)
۳. این طرح با تمرکز بر کادرسازی و تربیت نیروی هم‌طراز انقلاب اسلامی پیگیری می‌شود. در این طرح سه درس فلسفه، انسان‌شناسی و خداشناسی فلسفی به شرکت‌کنندگان آموزش داده می‌شود. (<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8806031645>)
۴. شبکه‌ای با هدف تربیت مربیانی جهت ایجاد نظام فکری اسلام ناب، که با تمرکز بر آثار شهید مطهری نیاز جامعه را نسبت به نهضت کتابخوانی، مطالعه و مباحثه آثار ایشان در سطح جامعه به صورت مستمر و برنامه‌ریزی شده، مبرهن می‌نماید. (<http://bineshemotahar.ir>)
۵. شجره طیبه صالحین، به معنای اخص، در صدد راه‌اندازی حلقه‌های تربیتی، با هدف ایجاد یا تغییر رفتار در مخاطبان، مبتنی بر مکتب تربیتی اهل بیت عصمت و طهارت است؛ اما به معنای عام، به فعال‌سازی، رونق و احیای اندیشه و تربیت انسان مؤمن، بصیر، مجاهد، فعال، انقلابی و دارای موضع را از اهداف اصلی و اساسی خود می‌داند. (<http://salehintehran.ir>)

این پژوهش نیز در همین حد، ناظر به ضرورت بازمهندسی دوره‌های معرفتی است، که اشاره شد.

### ل) نتیجه‌گیری

معرفت که همان شناخت است، به منزله روح و جان آدمی است، که گذر به عمق و هسته سیرت را حاصل می‌کند. در این پژوهش که با همین رویکرد معرفتی انجام شد، به نقش اثرگذار و ترکیبی معرفت در تعالی و کمال انسانی رسیدیم. البته معرفتی که چنین نتیجه‌ای در پی دارد، معرفت راستین و حقیقی است که همان معرفت دینی (اسلامی) است.

نتیجه دیگری که حاصل شد، ضرورت عمق و رگ و ریشه داشتن مستمر معرفت دینی یا همان مبانی معرفت دینی است.

مبانی معرفت دینی که در این جریان حاصل می‌شود، جریان کلی هندسه فکر را مدیریت و راهبری می‌کند. همچنین اثر فزاینده و عمیق بر سلامت جسم و آرامش روح و روان سالک خواهد داشت، که با بررسی تجربه‌های عملی در زندگی علمای ربّانی، مطلب قابل تحقیقی است که به صورت اجمال ارائه شد. نکته دیگر اینکه، معرفت دینی به منظور درک مسیر تعالی و کمال برای سالک، در بستری مداوم معنا می‌یابد که نیازمند قوامی فلسفی - حکمی است.

بنابر این، تجهیز مبانی معرفت دینی در مسیر عمق‌یافتگی است. این تجهیز به طور خلاصه و پس از نگاهی کلی به پژوهش، در سه جمله زیر خلاصه می‌شود:

۱. شناخت و علم: اعم از مطالعه، تلمذ و ریاضات شرعی؛
۲. درک مبتنی بر تحلیل: همان عقلانیت دینی؛
۳. یقین و عمل به نتایج یقینی: اعم از وظایف فردی و اجتماعی.

بنابر این، مبانی معرفت دینی در صورتی که تعمیق یابد، نضح عمیق در لایه‌های درونی جامعه ایجاد می‌کند و ریشه‌های تناور در نظام علی برای تعالی فرد و جامعه تعریف می‌کند. لذا هرچه این مسیر عمق بیشتری یابد و مسیر تعمیق فلسفی - حکمی بسط بنیانی یابد، چتر گسترده فرهنگ معرفت و عقلانیت و تحقق جامعه متفکر و بالنده، امکان معنایی پیدا می‌کند و در نظام وجوبی، وجودش عینیت می‌یابد.

بدیهی است تحقق این مبانی تا مرحله عینی‌سازی آن در لایه‌های درونی و بیرونی فکر انسانی و بطن اجتماع، نیازمند بازمهندسی در امکانهایی است که در اختیار داریم؛ از جمله مهندسی مجدد در برگزاری طرحهای معرفتی و از آن مهم‌تر، ترسیم چشم‌انداز معرفتی در نظام آموزشی - پژوهشی کشور، که از آموزش و پرورش شروع می‌شود و در حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز علمی تداوم می‌یابد. این پژوهش، فتح بایی در این گستره عمیق از موضوعاتی است که در آینده لازم است بررسی شوند.



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۷۰). معرفت دینی. قم: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۳۷۸). الاشارات والتنبیها. تهران: دفتر نشر کتاب.
- امام صادق (ع) [منسوب به ایشان] (۱۳۶۰). مصباح الشریعه. ترجمه حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- پارسانیا، حمید (۱۳۷۹). «هویت معرفتی دین و سنت». فصلنامه ذهن، سال اول، ش ۲: ۸۶-۹۷.
- پایا، علی (۱۳۸۸). «آیا الگوی توسعه ایرانی- اسلامی دست یافتنی است؟». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، سال پانزدهم، ش ۶۰: ۶۰-۳۱.
- پیسی، آرنولد (۱۳۷۴). تکنولوژی و فرهنگ. ترجمه بهرام شالگونی. تهران: نشر مرکز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹/الف). پیام به کنگره اخلاق زیستی. قم: بهمن ماه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان؛ نظریه جدید پیامون معرفت‌شناسی انسان. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹/ب). فلسفه حقوق بشر. ویرایش سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تحقیق و تنظیم احمد واعظی. قم: مرکز نشر اسراء. حسین زاده، محمد (۱۳۸۷). درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). «بیانات در اولین جلسه از نشستهای راهبردی». ۱۰ آذر. برگرفته از: <http://farsi.khamenei.ir/index.html>
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر. قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). کلام جدید. قم: مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۳). واژه‌نامه فرهنگی- سیاسی. تهران: کتاب صبح.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ ق.). الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل. به قلم حسن محمد مکی عاملی. قم: مؤسسه امام صادق.
- سبزواری، ملا هادی (۱۳۶۹). شرح المنظومه. تصحیح و تعلیق حسن‌زاده آملی و تحقیق و تقدیم مسعود طالبی. تهران: نشر ناب.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). قبض و بسط تنوریک شریعت؛ نظریه تکامل معرفت دینی. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

۲۲۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۷

- صدرالمتألهین، صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (۱۹۸۱)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدرالمتألهین، صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (۱۳۹۰). رساله سه اصل. به تصحیح و تحقیق و مقدمه سید حسین نصر. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۰). *از برهان تا عرفان: شرح براهین صدیقین و حرکت جوهری*. اصفهان: لب المیزان.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۷ ق). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- کانت، امانوئل (۱۳۷۰). *تمهیدات*. ترجمه غلامعلی حداد عادل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *آموزش فلسفه*. تهران: دفتر نشر بین الملل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *جهان بینی توحیدی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). *مسئله شناخت*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *یادداشتهای استاد مطهری*، ج ۶. تهران: صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۸۳). *معرفت شناسی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- <http://ziafat.nahad.ir>
- <http://www.tarhbso.ir>
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8806031645>
- <http://bineshemotahar.ir>
- <http://salehintehran.ir>
- **The Holy Quran.**
- **Nahj al-Balagha.**
- Amoli Larijani, Sadeq (1991). **Religious Knowledge**. Qom: Center of Translation and Publication Book.
- Arshenas, Shahryar (2004). **Dictionary Cultural-Political**. Tehran: Morning Book.
- Husseinzadeh, Mohamad (2008). **An Introduction to Epistemology and the Foundations of Religious Knowledge**. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali (1999). **Oyoun Akhbar Al-Ridha**. Tehran: World Publicating.
- Ibn-Sina, Abu Ali al-Husain ibn Abd Allah (1999). **Al-Esharat wa al-Tanbihat**. Tehran: Book Publicating Office.
- Imam Sadiq [Attributed to] (1981). **Mesbah al-Sharia**. Translation Hassan Mostafavi. Tehran: Islamic Association of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Javadi Amoli, Abdollah (2001). **Human Expect from Religion**. Qom: Asra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah (2010). **Human Rights Philosophy**. Edited by

- Seyed Abul-Ghasem Hussein. Qom: Asra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdollah (2010). **Message to the Congress of Bioethics**. Qom: Bahman.
  - Javadi Amoli, Abdollah (2012). **Dignity of Reason in Religious Knowledge Geometry**. Research and Regulation Ahmad Vaezi. Qom: Asra Publishing Center.
  - Javadi Amoli, Abdollah (2013). **Human to Human Interpretation; a New Theory of Human Epistemology**. Qom: Asra Publishing Center.
  - Kant, Immanuel (1991). **Tamhidat**. Translation Gholam Ali Haddad Adel. Tehran: University Publishing Center.
  - Khosropanah, Abul-Hussein (2000). **Kalam of New**. Qom: Cultural Research and Studies Center of Hawzah.
  - Khosropanah, Abul-Hussein (2012). **The Intellectual Mainstreaming of Contemporary Iran**. Qom: Cultural Institute of Islamic New Wisdom.
  - Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1999). **Teaching Philosophy**. Tehran: International Publication Office.
  - Moalemi, Hasan (2004). **Epistemology**. Qom: International Center of Islamic Sciences.
  - Motahhari, Morteza (1992). **Problem of Recognition**. Tehran: Sadra Publishing.
  - Motahhari, Morteza (2003). **Monotheistic Worldview**. Tehran: Sadra Publishing.
  - Motahhari, Morteza (2012). **Notes Prof. Motahhari**, Vol. 6. Tehran: Sadra Publishing.
  - Pacey, Arnolds (1995). **Technology and Culture**. Translation Bahram Shalgooni. Tehran: Center Publicating.
  - Parsania, Hamid (2000). **"Identity of Religion Knowledge and Tradition"**. *Quarterly Mind*, First Year, No 2: 86-97.
  - Paya, Ali (2009). **"Is Islamic-Iranian Model of Development is Achievable?"**. *Quarterly Methodology of Human Sciences* (University & Hawzah), Year 15, No 60: 31-60.
  - **Rimarks of Imam Khamenei**.
  - Sabzevari, Molla Hadi (1990). **Šarḥ al-Manẓuma**. Correction and Suspension and Dedicated Ayatollah Hasanzadeh Amoli and Masood Talebi. Tehran: Nab Publishing.
  - Sadr ad-Dīn Muḥammad Shīrāzī (1981). **Al-Hikmat Al-Muta'alyah fi-l-Asfar al-Aqliyya al-Arba'a**. Beirut: Dar Ehya al-Toras al-Arabi.
  - Sadr ad-Dīn Muḥammad Shīrāzī (2011). **Treatise Three Principal**. To Refine and Research and Introduction Seyed Hossein Nasr. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Institute.
  - Sobhani, Jafar (1426). **Alalhyat Ala Huda al-Kitab and al-Sonah and al-**

- Aghl. By Hassan Mohamad Makki Ameli. Qom: Institute of Imam Sadeq.
- Soroush, Abdolkarim (2000). **Theoretical Contraction and Expansion Sharia: Evolutionary Theory of Religious Knowledge**. Tehran: Serat Cultural Institute.
  - Tabatabai, Seyed Muhamad Hossein (1397). **Tafsir al-Mizan**. Translation Seyed Mohamad Mousavi Hamedani. Qom: Dar al-Elm Press Institute.
  - Taherzadeh, Asghar (2011). **The Argument to Mysticism**. Esfahan: Lob al-Mizan Publishing.

